

ارزیابی احساس جمعی در مجتمع‌های مسکونی

(مطالعه موردی: مجموعه مسکونی سعیدیه همدان)*

مهندس راضیه اسفندیاری صدق**، دکتر مهرداد کریمی مشاور***، دکتر گلرخ دانشگر مقدم***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۷/۰۸

چکیده

معماری جمعی به عنوان رویکردی نوین در معماری، با سه رویکرد سیاسی، جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه مطرح شده است. در معماری جمعی، رویکرد روان‌شناسانه به عنوان تنها رویکرد مرتبط با طراحی جمعی، دارای شاخص مهمی به نام احساس جمعی است. تحولات جامعه مدرن امروزی نظیر کوچکتر شدن خانواده‌ها سبب‌ساز کاهش احساس جمعی و عدم تمایل افراد برای حضور در فضاهای عمومی مجموعه‌های مسکونی گشته است، موضوعی که با ایجاد انگیزش به کمک طراحی، برای حضور و مشارکت مردم در فضاهای عمومی و بهره‌گیری از تسهیلات و کیفیت این فضاها می‌تواند فزونی یابد. در این پژوهش با استفاده از شیوه تحقیق کیفی، به مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با استفاده از مشاهده و مصاحبه، در نمونه انتخاب شده (از طریق نمونه‌گیری هدفمند) و تطبیق آن با جدول طراحی استخراج شده، این نتیجه حاصل شد که اقلیم و فرهنگ به عنوان دو عامل مهم در نگاه جمعی به مسکن در همدان شناخته می‌شوند.

واژه‌های کلیدی

معماری جمعی، احساس جمعی، روان‌شناسی محیط

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد راضیه اسفندیاری صدق به راهنمایی دکتر مهرداد کریمی مشاور و مشاوره دکتر گلرخ دانشگر مقدم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌باشد.

** کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، دانشکده هنر و معماری، همدان، ایران. (مستول مکاتبات).

Email: Razieh.Sedgh@yahoo.com

*** استادیار گروه معماری، دانشگاه بوعلی‌سینا، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری، همدان، ایران.

*** استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری، همدان، ایران.

مقدمه

شامل مشارکت، نیازها، شرکت افراد محلی و توانمندسازی مردم است، پایداری و عرصه عمومی، به عنوان مفاهیمی جدید مورد تأکید واقع شده‌اند (Toker, 2007; Harrison & Martocchio, 1998).

شیوه‌های طراحی جمعی نهادینه شده در آرمان‌های چهار دهه گذشته، به وضوح مدت‌ها پیش از بین رفته است. در هر صورت، در نتیجه تغییر ساختارهای اجتماعی، یا به دلیل پایداری اجتماع‌های جدید در چارچوب محیط‌های ساخته شده، دخالت کاربر، مفهوم اصلی (ویژگی اولیه) طراحی جمعی محبوبیت خود را از دست داده است. روند جدید، بیشتر تمرکز بر روی مشارکت، با کاهش تأکید بر گروه‌های محروم و توانمندسازی مردم را نشان می‌دهد که دلایل متعددی نیز برای تغییر روند در این مسیر وجود دارد (Toker, 2007).

معماری جمعی، معماری است که با مشارکت فعال استفاده‌کنندگان صورت پذیرد، این مشارکت از طریق فهم و دریافت ارزش‌های فرهنگی آنها نیز می‌تواند میسر باشد. درک الگوهای رفتاری و توجه بیشتر به افراد و نیازهای روانی آنها در محیط و فهم درست نیازها (نه صرفاً دخالت ظاهری آنها) به عنوان موضوعی شاخص برای مشارکت کاربران در طراحی با عنوان رویکرد معماری جمعی مطرح گردید (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۸). شناخت معماری جمعی نیازمند شناخت ادبیات نظری از یک سو، و تجارب مختلف آن، از سویی دیگر است، اهمیت شناخت معماری جمعی و شاخصه‌های کاربردی آن به ویژه برای کشورهای در حال توسعه مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و پیشینه تاریخی است، وجود حس مشترک میان ساکنان و ایجاد حس جمعی (بالا بردن احساس جمعی شهروندان) یکی از عوامل مهم در معماری جمعی است. معماری جمعی از دید کوان، طراحی ساختمان و فضا است به گونه‌ای که ساکنان محلی یا کاربران آنی، در ارتباط نزدیک و مشاور طراح باشند (Cowan, 2005). در تعریفی مختصر می‌توان گفت که رویکرد معماری جمعی مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و نیازهای جمعی مشتری است که از طریق درک الگوهای رفتاری در یک اجتماع با ویژگی‌های معین و با تکیه بر فاکتور احساس جمعی تحقق می‌پذیرد (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۸)، مسأله اصلی در معماری جمعی، کشف نیازها و خواست‌های کاربر است و نه صرفاً دخالت دادن مستقیم او در فرآیند طراحی (Hamdi, 1991; Moustafa, 2004; Moatasim).

این رویکرد نه تنها به نقش کاربران توجه دارد، بلکه کیفیت‌های زیبایی‌شناسانه را نیز مد نظر قرار می‌دهد، به هر صورت گرایش‌های دو دهه اخیر نشان می‌دهد که معماری جمعی از یک جنبش معماری فراتر رفته و تأکید خود را به فرآیند طراحی معطوف داشته است به طوری که با متمایز نمودن خود از دیگر روش‌های مشارکتی پیشین سعی در کاستن از ناکارآمدی آنها و تبدیل کردن معماری به سمت یک عمل

مجموعه‌های مسکونی به عنوان پیچیده‌ترین و اساسی‌ترین عملکرد در عرصه معماری قرن بیستم به حساب آمده و می‌توانند تأثیرات بسیار زیادی بر رفتار ساکنین و روابط آنها در پی داشته باشند (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰)، آنها به عنوان مهم‌ترین فضاهای زیستی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، گرچه متأسفانه به کارگیری الگوهای یکنواخت، در پاسخ به افزایش روند رو به رشد، تقاضای مسکن، سبب کاهش کیفیت مسکن و نارضایتی ساکنان آنها گشته است (معینی و اسلامی، ۱۳۸۸). بالارفتن احساس جمعی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی، در تعامل با همسایگان خود در فضاهای عمومی رخ می‌دهد. امروزه ابعاد انسانی فضاهای عمومی بیش از هر زمان دیگر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته و مردم نیز مشتاقانه به حضور و مشارکت در چنین فضاهایی پاسخ مثبت داده‌اند (Gehl & Gemzoe, 2004). آنچه بیش از ابعاد کالبدی در حضور و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است، که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء احساس جمعی هم باشد (Lennard & Lennard, 1984). با توجه به اهمیت فضاهای عمومی مجموعه‌های مسکونی و تمایل افراد برای حضور در این فضاها، به نظر می‌رسد با بررسی احساس جمعی در این بخش و به کارگیری اصول استخراجی آن در طراحی‌ها، می‌توان به ارتقاء این مهم که روز به روز در جامعه مدرن امروزی رو به کم‌رنگ شدن است کمک نمود.

روش تمقیق

در این پژوهش کیفی، پارادایم حاکم از نوع تفسیری است، که با توجه به نمونه هدفمند انتخاب شده، هدف پژوهشگر بررسی و تفسیر نیازهای ساکنان مجتمع مسکونی سعیدیه بوده و در پی آن است که ضمن برآورد فضاهای مورد نیاز، عوامل مؤثر در افزایش احساس جمعی ساکنان را مورد بررسی قرار دهد، داده‌های گردآوری شده در پژوهش کاملاً روایی و متکی به نقل قول‌هاست و تلاش شده با مصاحبه‌های عمیق و طرح سؤالات انعطاف‌پذیر و مشاهده به داده‌های مورد نظر دست یافته و با تحلیل استقرایی نتیجه‌گیری گردد.

معماری جمعی

حوزه معماری جمعی وابسته به مباحث برنامه‌دهی معماری از منظر روان‌شناسی محیط است. به طوری که برای فهم و شناخت آن باید به موضوع برنامه‌دهی معماری بر مبنای علوم رفتاری (به ویژه روان‌شناسی محیط) توجه داشت (Horelli, 2002). به‌طور کلی، در تعریف طراحی جمعی، علاوه بر مفاهیم اصلی آن که

عنوان شاخصه اصلی رویکرد روان‌شناسانه که مرتبط به پیشینه موضوع این پژوهش است، مورد بررسی قرار بگیرد.

۱ احساس جمعی^۳

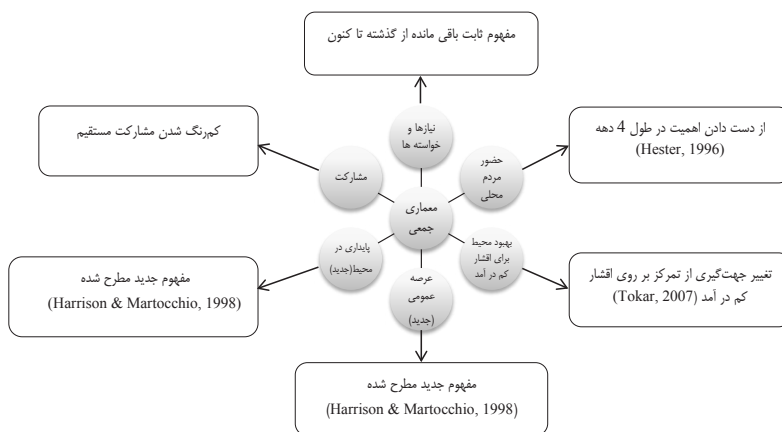
احساس جمعی (Gusfield, 1975)، به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی و تحقیقات اجتماعی (Zhang & Lin, 2012) دارای نقش قابل توجهی در طراحی جمعی است. احساس جمعی، مرتبط با تعاملات اجتماعی درون یک جمع است که به وسیله آن احساس تعلق و احساس مالکیت در افراد، به دلیل به اشتراک گذاری خواسته‌ها و نیازهای اعضای گروه، ایجاد می‌شود (McMillan & Chavis, 1986). مثلاً در مقیاس یک محل کوچک مانند مناطق مسکونی، تعاملات اجتماعی و ارتباط جمعی، می‌تواند شرایط رضایت از زندگی را فراهم کند (Blanchard, 2008; Fried, 1984)، و همچنین عامل تعیین کننده‌ای در کیفیت عمومی زندگی و رضایت از رفاه را داشته باشد (Rogers & Sukolatanamete, 2009).

هیلر^۴ (۱۹۹۵) به عنوان اولین معرف احساس جمعی شناخته می‌شود. در کنار مرزهای جغرافیایی تعریف شده برای احساس جمعی، گاهی این مرز می‌تواند به روابط جمعی کوچک محدود شود (Zhang & Lin, 2012).

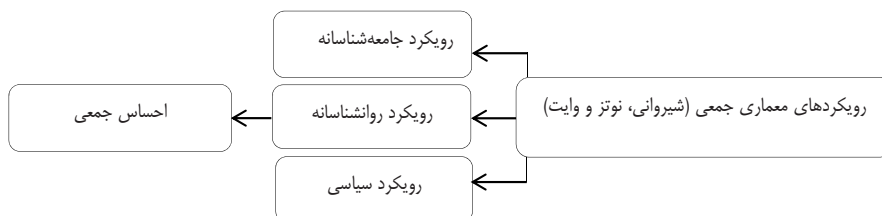
اخلاقی-انسانی بوده است و این مهم را از طریق توجه به ارزش‌ها و باورهای اجتماع ویژه و مورد نظر خود، جسته است، که ابعاد مختلف آن در شکل ۱ نشان داده شده است.

۲ رویکردهای معماری جمعی

واتز^۱ و نویت^۲ (۱۹۸۷) سه نوع رویکرد (شکل ۲) را برای معماری جمعی توضیح می‌دهند: رویکرد جامعه‌شناسانه، رویکرد روان‌شناسانه و رویکرد سیاسی. به دلیل آنکه معماری جمعی در کشورهای مختلف اصولاً پس از بحران‌ها مطرح شده و فعالان سیاسی نقش مهمی در این فرایندها داشته‌اند، رویکرد سیاسی، مطرح شده، که در ادبیات موضوع ما مورد ارجاع نیست و بررسی تفاوت‌های دو رویکرد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه نیز حاکی از آن است که رویکرد جامعه‌شناسانه بیشتر متوجه نحوه عملکرد اجتماع و لذا رویکرد روان‌شناسانه، متوجه طراحی جمعی است. مفهوم احساس جمعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی، نقش قابل توجهی را در رویکرد روان‌شناسانه داشته و به عنوان شاخصه‌ای مهم در جهت شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی و ضمانت اجرایی فرایند طراحی جمعی است (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۸)، بنابراین بیش از هر چیز، باید احساس جمعی که به



شکل ۱. ابعاد مختلف معماری جمعی



شکل ۲. رویکردهای معماری جمعی

پلاس^۵ و لوییز^۶ (۱۹۹۶) احساس جمعی را به عنوان یک ابزار توضیحی که واسطه‌ای در تأثیر زمینه محیطی در جهت رفاه شخصی است، در نظر گرفته اند. واژه جامعه^۷ در اصطلاح احساس جمعی^۸ مفهوم بسیار وسیعی دارد. بدین جهت تعاریف به عمل آمده توسط جامعه‌شناسان گوناگون است، بنابراین ابتدا واژه Community تشریح می‌شود.

مفهوم واژه Community

Community در واژه احساس جمعی اشاره به مفهوم چند بعدی مکان دارد، مانند: محیط فیزیکی، زنجیره ارتباطی، ارتباط نمادین، تأثیرات سیاسی و میراث فرهنگی، در حالی که خود واژه مکان تنها بر ابعاد فیزیکی تأکید می‌کند. از این رو مفهوم جمعی، شامل مفهوم مکان با ابعاد محیطی و همه مؤلفه‌هایی است که یک مکان جغرافیایی را قابل زندگی و معنا دار برای زیستن می‌سازد (Levine & Perkins, 1987). در مقایسه با دلبستگی به مکان، احساس جمعی می‌تواند شاخص کامل‌تری برای ارتباط بین مردم و محیط شهری که در آن زندگی می‌کنند، باشد. با این حال، تحقیقات تجربی اساساً این مفهوم را در قلمروهای جمعی مختلف از یک بلوک شهری تا همه شهر بررسی می‌کنند (Mannarini et al., 2006).

ابعاد احساس جمعی

مطالعات اولیه، تنها یک عامل را برای اندازه‌گیری احساس جمعی (Davidson & Cotter, 1986) مطرح می‌کنند، اما در گذر زمان عوامل مختلفی به آن اضافه شده‌اند (Zhang & Lin, 2012). تشریح شاخصه‌های احساس جمعی، یکی از چالش‌های اساسی در حوزه روان‌شناسی جمعی ست (کامل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). شاید برجسته‌ترین نظریه در این حوزه نظریه مک میلان^۹ و چاوز^{۱۰} باشد، نظریه آنها که به نوعی سنتزی از دیگر نظریات است، بر اساس نظریه آنها ابزار اندازه‌گیری احساس اجتماعی دارای چهار بُعد است: ۱) عضویت؛ ۲) تأثیرگذار بودن؛ ۳) یکپارچگی و برآوردن نیازها و ۴) پیوندهای مشترک حسی (McMillan & Chavis, 1986).

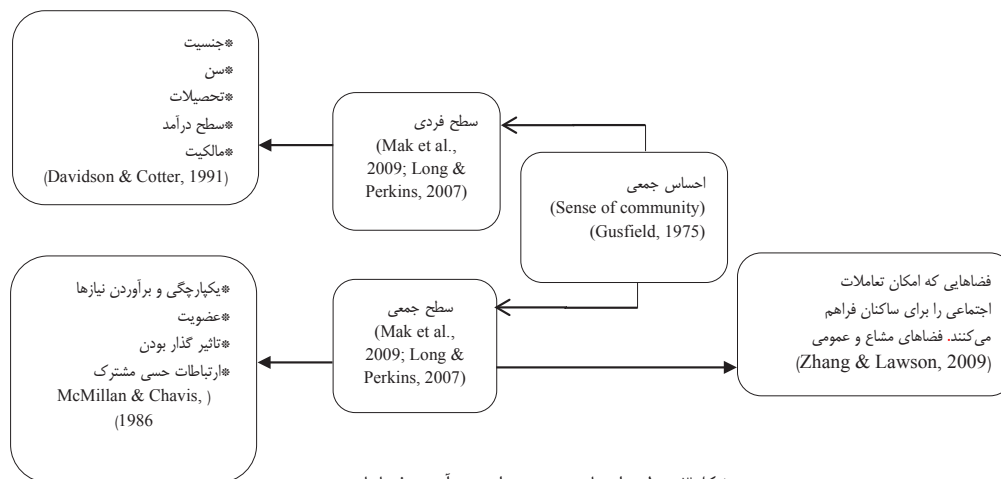
احساس جمعی در دو سطح فردی و جمعی قابل بررسی است (Long & Perkins, 2007). در سطح شخصی محققان متغیرهای جمعیت‌شناسی مختلفی را در ارتباط با احساس جمعی پیدا کرده‌اند، برای مثال ساکنانی که مسن‌ترند یا درآمد بیشتری دارند، احساس جمعی بالاتری دارند (Davidson & Cotter, 1991). در کنار این موضوع، متغیرهای سطوح جمعی که به محیط‌های مسکونی نیز قابل استناد هستند، مانند درجه شهرنشینی (Obst et al., 2002) و اندازه شهر (Prezza & Costantini, 1998) می‌توانند احساس جمعی را تحت تأثیر قرار دهند

(Zhang & Lin, 2012). برخی از متغیرهای بی‌ارتباط با سطح جمعی هم، احساس جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، برای مثال، مردمی که در واحدهای اجاره‌ای زندگی می‌کنند احساس جمعی کمتری دارند (Hou & Sung, 1998)، ساکنانی که مدت زمان بیشتری در یک مکان سکونت دارند (Chavis et al., 1986)، یا کسانی که با فرزندان‌شان زندگی می‌کنند (Obst et al., 2002)، احساس جمعی بیشتری دارند. احساس جمعی متعلق به اعضای است که به یکدیگر اهمیت داده، باورها و اعتقادات خود را به اشتراک گذاشته و نیازهایشان شناسایی می‌شود. احساس جمعی به نوعی بیانگر وابستگی و تعلق در فضاهایی است که افراد در آن ساکنند (Francis et al., 2012). علاقه مردم به مناطق مسکونی که در آن همسایگان تعامل اجتماعی زیادی دارند بیشتر است. در این گونه مناطق وقتی که ساکنین تصمیم به جا به جایی می‌گیرند، نقل مکان آنها با اندوه فراوان همراه است (لنگ، ۱۳۹۰).

در دوره فناوری، احساس جمعی تنها به یک مکان جغرافیایی محدود نمی‌شود، اگر چه همسایگی و مجاورت، فرصت‌های منحصر به فردی را برای تعامل اجتماعی و حمایتی مانند، تماشای بچه‌ها یا نظارت خانه‌های افراد را فراهم می‌کند. به موازات افزایش آگاهی از مزایای احساس جمعی، همواره این نگرانی وجود دارد که این احساس در جامعه غرب در حال نابودی است (Scopelliti & Giuliani, 2004)، که دلایل متفاوتی نظیر، کوچکتر شدن خانواده‌ها، تنهایی، افزایش جمعیت سالخورده، گسترش اوقات فراغت، استفاده از تلویزیون و سایر رسانه‌ها برای آنها ذکر شده است. یکی از وظایف مهم محققان و برنامه‌ریزان، ایجاد شرایط مناسب برای تقویت احساس جمعی است (Francis et al., 2012). در ادامه، پیرو نظریات ژانگ^{۱۱} و لاوسون^{۱۲} بررسی احساس جمعی در فضاهای عمومی مجموعه‌های مسکونی پرداخته شده است. (شکل ۳)

احساس جمعی در فضاهای عمومی مجموعه‌های مسکونی

زندگی در فضای میان ساختمان‌ها فرصتی ست برای بودن با دیگران به روشی راحت و بی‌دردسر. فرد می‌تواند پیاده‌روی معمول خود را داشته باشد؛ برای بودن در میان مردم برای مدتی کوتاه بر روی نیمکتی دعوت‌کننده نزدیک یک در بنشیند، حتی گاهی از پنجره به بیرون نگاه کردن می‌تواند فعالیت ارزنده‌ای باشد (گل، ۱۳۸۷، ۱۱). فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم‌اند، این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند، چنین فضاهایی بیش از آنکه تنها یک فضا باشند یک تجربه‌اند (Hajer & Reijndorp, 2001)، که نتیجه چنین تعامل و تجاربی در میان گروه‌های مختلف و



پله‌ها، جزئیات بدنه و انواع مبلمان شهری می‌بایست گستره وسیعی از محل‌های نشستن ثانویه و مکمل را فراهم آورند. عناصری مانند یادمان‌ها، پله‌ها، آب‌ناها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل در فضا، در زمره عوامل تأثیر گذار در ارتقا جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی محسوب می‌شوند (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶). استفاده مکرر از فضاهای عمومی نیز در بالا بردن احساس جمعی تأثیر گذار است، که این امر با فراهم آوردن امکانات در محیط کالبدی، می‌تواند میسر گردد. تکرر استفاده از فضا، تکرار روبرو شدن چهره به چهره و افزایش زمان ماندن در محیط، سبب ارتقا دوستی‌ها می‌شود (Francis et al., 2012). ردیف ستون‌ها، سایاها و سایبان‌های کنار نماها در فضاهای شهری نیز امکانات جذابی را برای مردم به منظور درنگ کردن و مشاهده کردن در عین حال مشاهده نشدن فراهم می‌آورند. برای مناطق مسکونی، فرو رفتگی در داخل نماها، عقب نشستگی ورودی‌ها، ورودی‌های سر پوشیده، ایوان‌ها و محوطه‌های جلویی کارکردی مشابه دارند؛ هم محفوظ‌اند و هم دید خوبی دارند (گل، ۱۳۸۷، ۱۴۳).

جذابیت فضاها، سبب تشویق استفاده از فضاهای عمومی می‌شوند، مانند: حضور آلاچیق‌های سایه‌بان‌دار با نیمکت برای گفتگو. چیدمان خوب محل‌های نشستن در تمامی انواع فضاهای عمومی در شهرها و مناطق مسکونی از اهمیت بسیاری برخوردار است. به منظور ارتقاء کیفیت محیط بیرونی در یک منطقه، ایجاد فرصت‌های بیشتر و بهتر برای نشستن ایده بسیار خوبی محسوب می‌شود. در برنامه‌ریزی شهری و فضاهای عمومی مسکونی، طراحان می‌بایست طوری مکان نیمکت‌ها را تعیین کنند که نسبت به حالت‌های روبروی هم یا پشت به پشت امکان بیشتری را برای عمل فراهم آورند. برای مثال

افراد سبب دریافت حس هویت جمعی، احترام به خود (عزت نفس) ارتقا مهارت‌های جمعی و مشارکت اجتماعی خواهد بود (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶). اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار دارد و این امر در یک فضای اجتماعی هدایت‌کننده، در کنار تامین آسایش فیزیکی (Lang, 1994)، ادعای قلمرو، حس مالکیت و برقراری عدالت در فضا میسر خواهد بود (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶). فضاهایی مانند پارک‌ها و میدان‌ها، عناصری دیگر از محیط ساخته شده‌اند، که در پرورش احساس جمعی به دلیل ایجاد ارتباط بین محلات و تسهیل شانس رو به رویی افراد، مؤثرند و این فضاها برای همه افراد ساکن در یک مجموعه مسکونی قابل دسترس هستند که می‌توانند آزادی عمل، ارتباط و رابطه موقت بین افراد را فراهم نمایند (Francis et al., 2012).

تسهیلات فضای عمومی (جزئیات و مبلمان)

صرفاً وجود فضاهای عمومی، اندازه و تعداد آنها با میزان تعاملات اجتماعی ارتباط ندارد، بلکه کلید این تعاملات در فضاهای عمومی، کیفیت ارائه شده به وسیله این فضاها، امکانات و دیگر متغیرهای کالبدی است (Zhang & Lawson, 2009; Biddulph, 2007).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که طراحی جزئیات نقش مهمی در گسترش امکانات توقف در فضاهای عمومی دارد، اما متأسفانه معماران و برنامه‌ریزان فقط به آن علاقه‌منداند، در حالی که باید آنها را بیشتر مورد آزمون قرار دهند. محدوده‌های کالبدی مکان‌ها، خیابان‌ها، چگونگی ارتباط خانه‌ها و ساختمان‌ها با خیابان، موقعیت و گونه فضای خدماتی، همگی عناصری هستند که می‌توانند برای تامین محیط‌های زنده و دوست داشتنی پاسخگو به نیازهای ساکنین طراحی شوند (لنگ، ۱۳۹۰، ۱۹۶).

نیمکت‌های منحنی یا نیمکت‌هایی که با زاویه کنار هم قرار گرفته اند، بسیار خوب عمل می‌کنند. نیمکت‌های دو تا دو تا و با زاویه قائمه که دور یک میز قرار گرفته اند، امکان افزون تری برای انجام کارهای مختلف و همچنین رفع خستگی در فضاهای عمومی فراهم می‌کنند. نیمکت‌هایی که دارای دید بهتری به فعالیت‌های اطراف هستند، بیشتر از نیمکت‌هایی که دیدی کم به دیگران دارند مورد استفاده قرار می‌گیرند. نیمکت‌های پشت به پشت مثالی از سازمان‌های اجتماع‌گریز هستند (نگ، ۱۳۹۰، ۱۸۲).

برخی از ویژگی‌های فیزیکی محیط مانند، قدم زدن، مسیره‌ها، صندلی‌ها و کیفیت فضایی محیط، می‌تواند دلیل استفاده بیشتر مردم از فضا بوده و در بالا بردن احساس جمعی مؤثر واقع شود (Francis *et al*, 2012). این مطلب نشان می‌دهد که در فضاهای عمومی در مناطق مسکونی تنها فرصت قدم زدن و نشستن نیست که وجود دارد؛ بلکه امکان عمل کردن، کاری برای انجام دادن و فعالیت برای درگیر شدن با آن نیز وجود دارد و فعالیت‌های کوچک روزانه خانگی مانند پوست کندن سیب زمینی، دوخت و دوز، کارهای تعمیراتی و غذا خوردن نیز می‌توانند به عنوان مکمل آنچه گفته شد در بیرون و در فضای عمومی انجام شوند (گل، ۱۳۸۷، ۱۱۳). برای فعالیت‌هایی مانند توقف کردن، ایستادن و صحبت کردن می‌توان اظهار کرد که فرو رفتگی‌ها مکان‌های محبوبی برای ایستادن هستند، چون موقعیتی جذاب و نیمه عمومی/نیمه خصوصی به وجود می‌آورند. فرد می‌تواند هم حضور داشته‌باشد و هم اگر مایل بود از میزان خصوصی بودن بیشتری برخوردار باشد، کمی عقب‌تر درون سایه برود.

۱۱ اهمیت فضاهای مختلف در ارتقاء احساس جمعی (تنوع فضایی)

انتقال تدریجی از فضاهای عمومی به خصوصی، به مشارکت مردم در فعالیت‌ها و داشتن ارتباط نزدیک با رویدادهای فضای عمومی، کمک می‌کند. طراحی بهتر، جزئیات فضایی بیشتر و همچنین خانه‌هایی با حیاط پشتی خصوصی و حیاط جلویی نیمه خصوصی در مقایسه با آنها که تنها حیاط پشتی دارند، فعال‌ترند. اهمیت تقسیم نمودن نواحی مسکونی به بخش‌های کوچکتر و واحدهای تعریف شده به عنوان حلقه ارتباطی در اغلب سیستم‌های سلسله مراتبی، بهتر درک شده و در اکثر پروژه‌های جدید مسکن به کار گرفته می‌شوند. مثال‌های متعدد نشان می‌دهند که ساکنین این واحدهای کوچک‌تر بسیار سریع‌تر و مؤثرتر قابلیت شناسایی برای انجام فعالیت‌های گروهی و حل کردن مشکلات متقابل را پیدا می‌کنند (گل، ۱۳۸۷، ۵۳). در فضاهای عمومی فرد خود حضور دارد، مشارکتی صریح؛ هر چند این مشارکت کم باشد. فضاهای

عمومی می‌توانند در مرکز ساختمان‌ها قرار بگیرند. امکان طراحی راهروهای با عرض کافی و کنج‌های مناسب برای توقف و دیدارهای اتفاقی و یا با قرار قبلی وجود دارد. فضاهای نشستن و انتظار را می‌توان به گونه‌ای طراحی کرد که مردم در فاصله راحتی از یکدیگر قرار گیرند و زمان و مکان مطلوب را برای تعامل اجتماعی داشته باشند. نقاط مکث را می‌توان در تقاطع مسیره‌ها و امکانات روزمره مورد نیاز مردم در نقاط مرکزی طراحی کرد (نگ، ۱۳۹۰، ۱۸۶). ایجاد نواحی مسکونی با درجه‌بندی فضاهای بیرونی به صورت فضاهای نیمه عمومی، صمیمی و خودمانی و خانوادگی در نزدیکی محل سکونت امکان شناختن بهتر مردم آن ناحیه را فراهم می‌آورد و تجربه کردن فضاهای بیرونی که به آن ناحیه مسکونی تعلق دارد منجر به درجات بالاتری از کاوشگری و مسئولیت‌پذیری جمعی نسبت به این فضای عمومی و ساکنان آن می‌شود. فضاهای عمومی پاره‌ای از محل سکونت می‌گردند و نسبت به خرابکاری و جرم و جنایت محافظت می‌شوند (گل، ۱۳۸۷، ۵۳). در محیط کالبدی ۵ عنصر ارتباطات جمعی را افزایش می‌دهد، که شامل نوع معماری، طراحی سایت، مقیاس خیابان‌ها (مسیره‌ها) و تنوع استفاده از زمین می‌باشد (Daim *et al.*, 2012). تنوع استفاده از زمین، می‌تواند به معنی ترکیب و قرار گیری کاربری‌های مختلف در یک مقیاس باشد. با توجه به اهمیت رویکرد روان‌شناسانه معماری جمعی، احساس جمعی به عنوان مهم‌ترین شاخصه آن مطرح گردید، در این میان، فضاهای جمعی در طراحی‌های جمعی در دو بخش تسهیلات و طراحی اهمیت ویژه‌ای می‌یابند، که می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود (شکل ۴).

در راستای مطالعات صورت گرفته، عملکردهای غالبی که می‌توانست به عنوان فضاهای عمومی در مجموعه‌های مسکونی مطرح گردد، و تسهیلاتی که قابلیت حضور در این فضاها را داشت، جمع‌آوری شده و در نهایت راهکارهایی در جهت طراحی به گونه‌ای که سبب‌ساز افزایش احساس جمعی گردد، ارائه و رفتارهایی که می‌توانست در آنها رخ دهد، در قالب جدول‌های ۱ و ۲ دسته‌بندی گردید.

در زمینه طراحی فضاها، تنوع فضایی، در سه بخش فضای بسته، فضای نیمه باز و فضای باز ایجاد شد و سپس به بررسی عملکرد فضاها با در نظرگیری الگوی رفتاری غالب در آنها پرداخته شده و با توجه به مطالعات صورت گرفته، راهکارهای طراحی برای افزایش احساس جمعی در مقابل هر عملکرد ارائه شده است، اما به نظر می‌رسد، راهکارهای طراحی در صورتی می‌توانند پاسخگو باشند، که مردم از شرایط آسایش اقلیمی مطلوب برخوردار باشند تا بتوانند در فضا قرار گرفته و فعالیتی انجام دهند، به عنوان مثال گردو غبار و آفتاب سوزان در اقلیم گرم و خشک، سبب‌ساز ترجیح استفاده از فضاهای نیمه

جدول ۱. دسته بندی اصول طراحی با در نظرگیری عملکرد فضاها

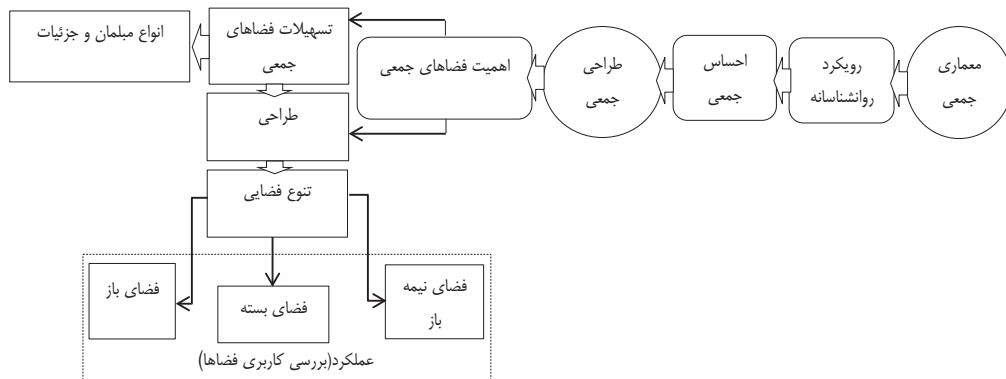
عملکرد	راهکار طراحی	الگوی رفتار	
فضای بسته	بلوک‌ها(اهمیت طبقه همکف)	خانه‌های ردیفی و متقابل، با ارتفاع نه چندان زیاد و قابل مشاهده از بیرون با کاربری مناسب	خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-قدم زدن-نشستن-ایستادن-بازی کردن-راه رفتن
	ورودی ساختمان(لابی)	عقب‌نشینی ورودی، سرپوشیده، با پلکان در جلوی آن و به کارگیری مصالح زیبا و مناسب	خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-قدم زدن-نشستن-ایستادن-بازی کردن-راه رفتن
	رستوران	به عنوان نقطه کانونی با نمای زیبا و مصالح مناسب	خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن
	دکه روزنامه	به عنوان نقطه کانونی با نمای زیبا و مصالح مناسب	گفتگو کردن
	فروشگاه	فضای یکپارچه با دکوراسیون زیبا و روشن و استفاده از گیاهان و موسیقی در فضا	خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن-ایستادن
	لند اسکپ	استفاده از گیاهان، گلدان‌ها و...	تماشای مردم-گفتگو کردن-قدم زدن-نشستن-ایستادن-بازی کردن-راه رفتن
	فضای بازی	طراحی فضا برای گل‌بازی، اسکیت و دوچرخه سواری متناسب با گروه‌های سنی	تماشای مردم-گفتگو کردن-قدم زدن-نشستن-ایستادن-بازی کردن-راه رفتن
	هنر عمومی	استفاده از خاصیت هویت بخشی هنر عمومی و نمادها و ارزش‌های مشترک کاربران	تماشای مردم-گفتگو کردن-ایستادن
	خشکشویی	به عنوان نقطه کانونی با نمای زیبا و مصالح مناسب	گفتگو کردن-ایستادن
	تراس	دید مناسب تراس‌ها	تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن-ایستادن
فضای نیمه باز	فروشگاه	فضای یکپارچه با دکوراسیون زیبا و روشن و استفاده از گیاهان و موسیقی در فضا	تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن-ایستادن
	لندسکپ	ایجاد باغچه‌های کوچک جلوی خانه‌ها	تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن-ایستادن-بازی کردن
	رستوران	استفاده از سنت‌ها، باورها و ارزش‌ها در طراحی	خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن
	رستوران(پیک نیک)	تعبیه فضا در محل قابل دید	خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-قدم زدن-نشستن-بازی کردن
فضای باز	منظر	ایجاد باغچه‌های در جلوی خانه‌ها و ایجاد مینی پارک‌ها بین بلوک‌ها و استفاده از درختان و اجتناب از طراحی فضای سبز رها شده	تماشای مردم-گفتگو کردن-قدم زدن-نشستن-ایستادن-بازی کردن
	مسیر پیاده روی و قدم زنی	استفاده از مسیرهای انحنادار و نه مستقیم با سنگ‌فرش مناسب و تعبیه میدان‌های کوچک برای کوتاه شدن مسیر	گفتگو کردن-قدم زدن-راه رفتن
	هنر عمومی	استفاده از خاصیت هویت بخشی هنر عمومی	تماشای مردم-گفتگو کردن-ایستادن
	محوطه بازی	طراحی وسایل بازی و فضاهای بازی مانند خاک‌بازی، دوچرخه سواری و بسکتبال متناسب با گروه‌های سنی	خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن-بازی کردن

طراحی

تنوع فضایی

می‌گردد که می‌تواند شامل انواع مبلمان و جزئیات در فضا باشد، در این بخش پس از دسته‌بندی جزئیات و بررسی الگوهای رفتاری در آنها، راهکارهای طراحی برای بهره‌گیری از مبلمان مناسب در جهت افزایش احساس جمعی ارائه شدند. با توجه به نظام اعتقادی و تفکیک‌های جنسیتی در ایران در بسیاری از فعالیت‌ها، مثلا امکان

باز و بهره‌گیری از سایبان‌های مناسب، در بخش‌هایی از سال می‌شود، حال آنکه، سرمای طاقت فرسای هوا در اقلیم سرد امکان حضور در فضاهای نیمه باز و باز را در فصولی از سال کم‌رنگ نموده و می‌تواند تنها محدود به فضای بسته کند. دیگر عامل مؤثر در فضاهای جمعی، تسهیلات موجود در آنها محسوب



شکل ۴. جایگاه طراحی و تسهیلات فضاهای جمعی در معماری جمعی

پژوهش از طریق مصاحبه با ۶۵ نفر از ساکنان مجموعه و به صورت تصادفی در رده‌های سنی و جنسی متفاوت، مورد ارزیابی واقع شد، که در زیر ارائه شده است، در ضمن فضاهای داخل بلوک‌ها هم مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، در نهایت نیز به تطبیق نتایج حاصل (جدول ۳) با جدول اولیه (جدول ۱ و ۲) پرداخته و نتیجه‌گیری شد.

استفاده از وسایل ورزشی در محوطه برای بانوان امکان‌پذیر نیست و یا قرارگیری نیمکت‌ها باید متناسب با این موضوع صورت بگیرد، بنابراین بین باورها و اعتقادات مردم و استفاده آنها از فضا می‌تواند ارتباط تنگاتنگی وجود داشته باشد.

۱۱ بررسی نمونه موردی

از طریق نمونه‌گیری هدفمند (تنها مجتمع مسکونی تعریف شده با فضای جمعی در همدان)، نمونه موردی انتخاب شد. این مجتمع ۶۰۰ خانواری در منطقه یک استان همدان و در سی متری سعیدیه واقع شده، که به دلیل قرارگیری در ارتفاعات شهر از منظر و دید مناسبی برخوردار است. در این مجموعه با بررسی سایت پلان و تقسیم‌بندی آن به نواحی مختلف (شکل ۵) به مشاهده^{۱۳} الگوهای رفتاری پرداخته، و در نتیجه مصاحبه‌های انجام شده با ساکنان^{۱۴} و مشاهدات صورت گرفته در این مکان، جدول زیر به دست آمد، لازم به ذکر است که سایر نیازهای ساکنان نیز در طول

۱۲ نیازهای ساکنان بر اساس عوامل ارزیابی

اگرچه این مجموعه یکی از بهترین مجتمع‌های مسکونی در همدان محسوب می‌شود، اما با ارزیابی نیاز ساکنین بر اساس عوامل طراحی، کمبود برخی فضاها، مانند فروشگاه (در مجموعه وجود نداشته و غالب ساکنان از فروشگاه‌های روبروی مجتمع اشتراک گرفته و نیازهای خود را از آنجا تأمین می‌کنند)، محلی برای برگزاری مراسم مذهبی (در حال حاضر سالن ورزشی سرپوشیده تأمین کننده این نیاز است و مشکلات بسیاری به همراه دارد)، فضایی جهت انجام تزریقات (به دلیل فاصله

جدول ۲. دسته بندی اصول طراحی با در نظر گیری انواع مبلمان و جزئیات

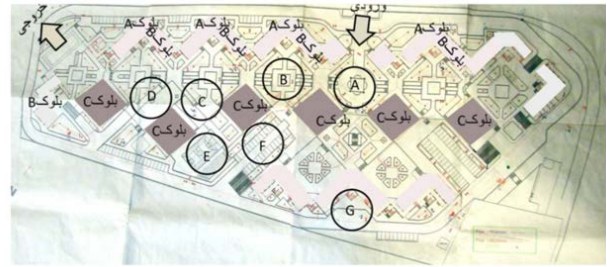
الگوی رفتار	راهکار طراحی	
خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن	با سایبان مناسب برای حفاظت در برابر عوامل جوی	آلاچیق
خوردن-تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن	نیمکت‌های رو به روی هم به صورت منحنی و یا با زاویه دور یک میز عدم استفاده از نیمکت‌های محافظت نشده	نیمکت (صندلی)
تماشای مردم-گفتگو کردن-ایستادن	در محلی مناسب با دید خوب	آب نما (فواره)
راه رفتن	برای روشن شدن مسیرها و ایجاد امنیت	چراغ‌ها
ایستادن-گفتگو کردن	استفاده از ارزش‌های مشترک جمعی در طراحی	یادمان و المان
بازی کردن	تعبیه در محل‌های قابل مشاهده	وسایل ورزشی
تماشای مردم-گفتگو کردن-ایستادن	تعبیه به صورت چند منظوره برای فعالیت‌های مختلف	ستونک
تماشای مردم-گفتگو کردن-نشستن	نقطه کانونی برای ارتباط با جمع	ایستگاه اتوبوس

انواع مبلمان و جزئیات تسهیلات فضاهای جمعی

حال آنکه اقلیم سرد همدان مانع از حضور مردم در فضاهای جمعی در فصل زمستان گشته است. برای مثال با وجود زمین‌های بازی غیر مسقف طراحی شده در نمونه موردی، برف‌های سنگین، عملاً امکان استفاده از آنها را در فصول سرد غیر ممکن می‌سازد، برای مقابله با زمستان‌های سرد، برخی ساکنان حتی ترجیح داده‌اند که بالکن‌هایی با چشم‌انداز بسیار زیبا را از یک فضای نیمه باز، به فضایی کاملاً بسته بدل کنند و یا عدم تعبیه فضای مناسب در طبقه همکف برای استفاده ساکنین در فصول گرم، مانع از حضور افراد می‌گردد، لذا اهمیت تنوع فضایی با توجه به اقلیم، باید مورد نظر طراحان قرار بگیرد و در نظرگیری صرف تنوع فضایی، پاسخگو نخواهد بود. در ادامه، با توجه به تفاوت فعالیت و الگوهای رفتاری بین زن و مرد در طول تاریخ و در بیشتر فرهنگ‌ها و اهمیت جنسیت در طراحی، در این بخش نیز، موضوع محرمیت و تمایل افراد برای جداسازی جنسیتی در گفتگوها و یا تفکیک بازی‌های دخترانه و پسرانه، سبب می‌شود که فضاهای جمعی و تسهیلات موجود در ساعات مناسب، صرفاً در کنترل یکی از گروه‌ها باشد، که گروه‌های دیگر را از استفاده محروم کرده و به دلیل عدم توجه به این موضوع امکان حضور و فعالیت برای عده‌ای وجود ندارد، که این موضوع نیز باید در طراحی‌ها مد نظر قرار بگیرد، اگر چه با تغییر این تفکیک در طول زمان باید به سمت طراحی‌های متفاوتی گام برداشته شود. از آنجایی که باورها و ارزش‌های مشترک ساکنین به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بالا بردن احساس جمعی مطرح می‌شود و در اینجا این باور می‌تواند مذهب مردم باشد که در آن اعیاد، عزاداری‌ها و سایر مناسبت‌های مذهبی، دارای جایگاه ویژه‌ای است، در نظرگیری فضایی در سایت برای این امر، می‌تواند به بالا رفتن احساس جمعی کمک شایانی نماید. در نهایت می‌توان گفت که، دو عامل اقلیم و فرهنگ (مذهب) به عنوان عواملی مهم در کارکرد فضاها برای افزایش احساس جمعی، مطرح می‌شوند. در واقع، در اقلیم‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، طراحی و تسهیلات فضاها باید در راستای تطبیق با این دو مهم یعنی اقلیم و فرهنگ باشد تا کارکرد افزایش احساس جمعی را آشکار سازد.

پی‌نوشت‌ها

1. Wates
2. Kneivitt
3. Sense of Community
4. Hiller
5. Plas
6. Lewis



شکل ۵. سایت پلان مجتمع مسکونی سعیدیه و دسته بندی فضاها
ماخذ: شرکت گروه سرمایه‌گذاری مسکن (۱۳۸۲)^{۱۵}

مجتمع از مراکز درمانی، برای ساکنان به یک مشکل تبدیل شده است)، افزایش فضا جهت بازی کودکان در رده‌های سنی مختلف (به عنوان مثال موقعیت مکانی وسایل بازی به دلیل قرارگیری بر روی ارتفاع، برای کودک و همراه او مشکلات و خطرات بسیاری را به همراه دارد) احساس شد. علاوه بر فضاهای مورد نیاز، در زمینه مبلمان و جزئیات نیز، مجموعه کمبود فراوانی دارد، به ویژه در فصول گرم سال که افراد تمایل بیشتری برای حضور در فضا دارند به شدت با کمبود مبلمان مواجه هستند که لازم است تدابیری در این زمینه اندیشیده شود. علی‌رغم آنکه طبقه همکف بلوک‌ها، فضایی مناسب جهت انجام فعالیت‌های مختلف بوده و دیوار شیشه‌ای آن نیز از نکات مثبت و مهم آن است، عدم ساماندهی (بدون تفکیک و با فضای یکپارچه) مشکلاتی را برای ساکنان فراهم کرده است، در پایان اینکه، عدم تعبیه فضاهای مناسب جمعی برای فصول سرد در کل مجموعه، یکی از مهم‌ترین نیازهای افراد ساکن محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات صورت گرفته در حوزه معماری جمعی و احساس جمعی، اهمیت فضاهای جمعی در دو بخش طراحی و تسهیلات فضاها مطرح شد و به استخراج اصول طراحی با در نظرگیری عملکرد فضاها و الگوهای رفتاری، در قالب جداولی پرداخته شد، سپس نمونه موردی بررسی شده را با آنها تطبیق داده و در نتیجه مشاهدات و مصاحبه‌های انجام گرفته، این نتیجه حاصل شد که صرفاً تنوع فضایی و تسهیلات و کیفیت آنها نمی‌تواند سبب‌ساز حضور مردم در فضاهای جمعی و در نتیجه تعاملات اجتماعی و بالا رفتن احساس جمعی آنان گردد، چرا که مردم برای حضور در فضا و بهره‌مندی از امکانات آن نیازمند شرایط آسایشی مناسب نیز هستند، در واقع میان ویژگی‌های محیط طبیعی و الگوی رفتاری افراد رابطه عمیقی برقرار است، حضور در فضاهای عمومی و آغاز فعالیت، نیازمند آب و هوای مطلوب است،

جدول ۳. دسته بندی فضاها و نتیجه مشاهدات و مصاحبه‌ها

نام فضا	شیوه بررسی	الگوی رفتار	شیوه بررسی	نتیجه گیری
A: معروف به حوض مرکزی	مشاهده	- تماشای مردم - گفتگو کردن - نشستن - ایستادن - بازی کردن - راه رفتن - قدم زدن	مشاهده و مصاحبه	- کوچک بودن فضا برای زمان‌هایی که هوا مناسب است، به دلیل اینکه همه بلوک‌ها این حوض را برای تجمع انتخاب می‌کنند.
	مشاهده و مصاحبه		مشاهده و مصاحبه	- کافی نبودن نیمکت‌ها و تعداد کم آنها
	مشاهده		مشاهده	- نبود مبلمان مناسب برای افراد ایستاده
	مشاهده و مصاحبه		مشاهده و مصاحبه	- تداخل فعالیت‌ها به دلیل دوچرخه‌سواری و اسکیت بازی بچه‌ها
B: حوض‌های میانی دیگر بلوک‌ها	مشاهده	- تماشای مردم - گفتگو کردن - نشستن - ایستادن - بازی کردن - راه رفتن - قدم زدن	مشاهده و مصاحبه	- کافی نبودن نیمکت‌ها و تعداد کم آنها.
	مشاهده و مصاحبه		مشاهده و مصاحبه	- نا امنی برای بچه‌های کوچک به دلیل وجود پله‌ها
فضای C	مشاهده	- ایستادن - گفتگو کردن - بازی کردن - راه رفتن - قدم زدن	مشاهده و مصاحبه	- نیاز به فضای بازی به دلیل تجمع بچه‌های زیر ۱۳ سال، به خاطر تسخیر زمین بازی توسط بزرگترها
	مشاهده و مصاحبه		مشاهده و مصاحبه	- نبود مبلمان مناسب چون در این محل گفتگوی مادران در حین مراقبت از فرزندان کوچک در زمان بازی صورت می‌گیرد.
	مشاهده		مشاهده	- نیاز به فضای بازی برای دختر بچه‌ها (بازی‌های دخترانه)
D: پشت بلوک‌ها	مشاهده	- بازی کردن - راه رفتن	مشاهده	- به دلیل نبود فضای بازی کافی برای دوچرخه‌سواری و اسکیت استفاده می‌شود.
	مشاهده	- تماشای مردم - بازی کردن - گفتگو کردن - نشستن	مشاهده	- کوچک بودن زمین بازی و تسخیر آن به وسیله پسر بچه‌ها
	مشاهده		مشاهده	- نامناسب بودن محل نشستن برای تماشای بازی‌ها
	مشاهده و مصاحبه		مشاهده و مصاحبه	- استقرار در مجاورت بلوک و تولید سرو صدا برای ساکنان
F: پارکینگ روباز	مشاهده	- ایستادن - گفتگو کردن	مشاهده	- نبود تکیه‌گاه مناسب برای همسایگانی که در حین پارک اتومبیل یکدیگر را ملاقات می‌کنند.
G: محل استقرار وسایل بازی	مشاهده	- تماشای مردم - گفتگو کردن - نشستن - ایستادن - بازی کردن	مشاهده و مصاحبه	- نبود مبلمان مناسب برای مادرانی که در حین بازی بچه‌ها گفتگو می‌کنند.
	مشاهده و مصاحبه		مشاهده و مصاحبه	- پلکان منتهی به محل بازی، امنیت را از کودکان سلب نموده است.
	مشاهده و مصاحبه		مشاهده و مصاحبه	- ایجاد فضای بزرگتر (فضای موجود بسیار اندک است).
طبقه همکف (پیلوت)	مشاهده	- تماشای مردم - گفتگو کردن - نشستن - ایستادن - بازی کردن	مشاهده	- نبود مبلمان مناسب
ورودی واحدها در کنار صندوق پستی	مشاهده	- گفتگو کردن - ایستادن	مشاهده	- نبود مبلمان مناسب برای تکیه دادن
ورودی واحدها در هر طبقه	مشاهده	- گفتگو کردن - ایستادن	مشاهده	- نبود مبلمان مناسب برای تکیه دادن
	مشاهده		مشاهده	- با گسترده شدن این فضا در زمستان، می‌توان از آن برای گسترش تعاملات همسایگان استفاده کرد.

- Tisbury, Wiltshire: Streetwise Press.
13. Daim, M. S., Bakri, A. F., Kamarudin, H., & Zakaria, S. A. (2012). Sense of Community in Gated and Non-Gated Residential Neighborhoods. *Journal of environmental psychology*, 50, 818-826.
 14. Davidson, W. B., & Cotter, P. R. (1986). Measurement of sense of community within the sphere of city. *Journal of Applied Social Psychology*, 16(7), 608-619
 15. Davidson, W. B., & Cotter, P. R. (1991). The relationship between sense of community and subjective well-being: A first look. *Journal of Community Psychology*, 19(3), 246-253.
 16. Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiam, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32, 401-409.
 17. Fried, M. (1984). The Structure and Significance of Community Satisfaction. *Journal of Population and Environment*, 7, 61-86.
 18. Gehl, J., & Gemzøe, L. (2004). *Public spaces, public life, Copenhagen*. Copenhagen: Danish Architectural Press & the Royal Danish Academy of Fine Arts, School of Architecture Publishers.
 19. Gusfield, J. R. (1975). *Community: A critical response* (1st English language ed.). New York: Harper & Row.
 20. Hajer, M., & Reijndorp, A. (2001). *In serch of new public Domain*. Rotterdam: NAI Publishers.
 21. Hamdi, N. (1991). *Housing without houses: participation, flexibility, enablement*. New York : Van Nostrand Reinhold Company.
 22. Harrison, D. A., & Martocchio, J. J. (1998). Time for absenteeism: A 20-year review of origins Offshoots and outcomes. *Journal of Management*, 24, 305-350.
 23. Hester, R. (1996). Wanted: local participation with a view in J. L, Nasar & B. B, Brown (Eds). Public and private places. *Proceedings of the 27th Annual Environmental Design Reserch Association (EDRA) Conference*. June, (pp 42-52). Salt Lake City, Utah, Oklahoma, Usa.
 24. Hiller, G. A. (1995). Definitions of community: area of agreement. *Rural Sociology*, (20), pp 111-123.
 25. Horelli, I. (2002). *A Methodology of Participatory*
 7. Communty
 8. Sense Of Community
 9. Mc Millan
 10. Chavis
 11. Zhang
 12. Lawson
 ۱۳. مشاهدات انجام شده در ماه‌های فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور انجام گرفته است.
 ۱۴. برخی مصاحبه‌ها در منزل افراد انجام شده است.
 ۱۵. این تصویر از مدیریت مجتمع سعیدیه، دریافت گردیده است.

فهرست مراجع

۱. اسلامی، غلامرضا؛ و حناچی، پیروز؛ و کامل نیا، حامد. (۱۳۸۸). رویکرد طراحی جمعی در معماری (تحلیل و بررسی تطبیقی معماری جمعی با معماری اجتماعی و معماری مشارکتی). *نشریه هنرهای زیبا*. ۳۹، ۴۷-۶۰.
۲. چرخچیان، مریم؛ و دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی. *نشریه باغ نظر*، ۷، ۱۹-۲۸.
۳. ذبیحی، حسین؛ رهبری منش، کمال؛ و حبیب، فرح. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تاثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان. *نشریه هویت شهر*. ۵(۸)، ۱۰۳-۱۱۸.
۴. شرکت گروه سرمایه‌گذاری مسکن. (۱۳۸۲). *مطالعات طرح مجتمع مسکونی سعیدیه*. مهندسین مشاور شورا. همدان.
۵. کامل نیا، حامد؛ اسلامی، غلامرضا؛ و حناچی، پیروز. (۱۳۸۹). تحلیل و ارزیابی معماری جمعی بر مبنای شاخصه‌های احساس جمعی. *نشریه هویت شهر*، ۵(۷)، ۱۳۱-۱۴۰.
۶. گل، یان. (۱۳۸۷). *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها*. (شیرما شصتی، مترجم). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. لنگ، جان. (۱۳۹۰). *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. معینی، مهدیه؛ اسلامی، غلامرضا. (۱۳۸۸). رویکردی تحلیلی به کیفیت محیط مسکونی معاصر. *نشریه هویت شهر*، ۱۰، ۴۷-۵۸.
9. Biddulph, M. (2007). *Introduction to Residential Layout*. Amsterdam: Architectural Press.
10. Blanchard, A. L. (2008). Testing a Model of Sense of Virtual Community. *Computers in Human Behaviour*, 24, 2107-2123.
11. Chavis, D. M., Hogge, J. H., McMillan, D.W., & Wandersman, A. (1986). Sense of community through Brunswick's lens: A first look. *Journal of Community Psychology*, 14(1), 24-40.
12. Cowan, R. (2005). *The dictionary of urbanism*.

- Planning in R. B. Bechtel and A. Churchman (Eds), A Handbook of Enviromental Psychology.* (pp 607-623). New York: John Wiley& Sons.
26. Hou, J., & Sung, N. (1998). Urban residents' sense of community in Taichung Li-Ming community. *Journal of Architecture (Taiwan)*, 24, 51-65.
27. Lang, J. (1994). *Urban design. American experience: van nostrand reinhold.* London: Routledge.
28. Lennard, S. H. C., & Lennard, H. L. (1984). *Public life in urban places: Social and architectural characteristics conducive to public life in European cities.* (6thed). Southampton, N.Y: Gondolier Press.
29. Levine, M., & Perkins, D. V. (1987). *Principles of community psychology.* New York: Oxford University Press.
30. Long, D. A., & Perkins, D. D. (2007). Community social and place predictors of sense of community: a multilevel and longitudinal analysis. *Journal of Community Psychology*, 35(5), 563-581.
31. Mak, W. W. S., Cheung, R. Y. M., & Law, L. S. C. (2009). Sense of community in Hong Kong: Relations with community-level characteristics and residents' well-being. *American Journal of Community Psychology*, 44(1-2), 80-92.
32. Mannarini, T., Tartaglia, S., Fedi, s., & Greganti, k. (2006). Image of neighborhood: self image and sense of community. Elsevier. *Journal of environmental psychology*, 26, 202-214.
33. McMillan, D.W., & Chavis, D. M. (1986). Sense of Community: A Definition and Theory. *Journal of Community Psychology*, 14, 6-21.
34. Moatasim, F. (2005). *Practice of Community Architecture: A Case Study of Zone of Opportunity Housing Co-Operative.* Unpublished M.S Dissertation. McGill University. Montreal.
35. Moustafa, Y. (2004). *Environmental design and local community.* A theoretical framework tested through two case studies in Cairo. Egpt Unpublished Ph.D., Thesis. Dept of Architecture. University of wisconsin-milwaukee.
36. Obst, P., Smith, S.G., & Zinkiewicz. (2002). Sense of community in science fiction fandom. Part 1: Understanding sense of community in an international community of interest. *Journal of Community Psychology*, 30, 87-103.
37. Plas, J. M., & Lewis, S. E. (1996). Environmental factors and sense of community in a planned town. *American Journal of Community Psychology*, 24(1), 109-143.
38. Prezza, M., & Costantini, s. (1998). Sense of community and life satisfaction: investigation in three different territorial contexts. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 8(3), 181-194.
39. Rogers, G. O., & Sukolratanamettee, S. (2009). Neighborhood Design and Sense of Community: Comparing Suburban Neighborhoods in Houston Texas. *Landscape and Urban Planning*, 92, 325-334.
40. Scopelliti, M., & Giuliani, M. V. (2004). Choosing restorative environments across the lifespan: A matter of place experience. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 423-437.
41. Toker, Z. (2007). Recent trends in community design: the eminence of participation. *Journal of Design studies*, 28(3), 309-323.
42. Wates, N., & Knevitt, C. (1987). *Community architecture: how people are creating their own environment Penguin.* London: New York.
43. Zhang, W., & Lawson, G. M. (2009). Meeting and greeting, activities in public outdoor spaces. *Urban Design International*, 14(4), 207-214.
44. Zhang, H., & Lin, S. H. (2012). Sense of Community in Taiwan and its Relationships with the Residential Environment. *SocialandBehavioralSciences*, 35,335-343.

The results on one-way ANOVA and Pearson Correlation Coefficient show that there is not any statistically significant relationship between anxiety and the satisfaction of outdoor residential complexes.

Finally, the relationship between the quality and amount of children's playing in outdoor space and their anxiety will be rejected. So, the results show that children's anxiety has more psychological aspect and the social level of family is more effective on it and formal factors do not interfere in this context so much.

... Keywords: Environmental Psychology, Residential Complex, Residential Outdoor, Children's Fun and Games Opportunities, Child's Anxiety.

Evaluation of Sense of Community in Residential Complexes (Case Study: Saidyeh Complex of Hamadan)

Razieh Esfandyarisedgh*, M.A., in Architecture, Department Of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Mehrdad Karimi Moshaver, Ph.D., Assistant Professor, Department Of Art and Architecture, Bu Ail Sina University, Hamedan, Iran.

Golrokh Daneshgar Moghaddam, Ph.D., Assistant Professor, Department Of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

... Abstract

Community architecture, as a novel approach in architecture, has changed throughout ages. This approach has many concepts which have increased and decreased during the times, but the main concept of community architecture has always been the indirect participation of people in designing. Also, public spaces and stability have recently been added to these new parameters. Among three approaches available in the architecture including political, social and psychological ones, the one that is strongly related to community architecture is a fundamental aspect named sense of community. Sense of community is often defined as a feeling of belonging to a group of members. A feeling that shows the members matter to one another and to the group, and a common faith that ensures that the members needs will be met through their commitment to a unity. Sense of community has two important parts. The first part is individual and the second part is collective. Gender, age, education, level of income and ownership are related to the individual level, while membership, influence, Integration and fulfillment of needs, shared emotional connection are related to the collective part. Public spaces are the most important spaces which could increase the sense of community. They are recognized as being accessible to all groups, providing freedom of action for users. Some changes in modern society may lead to a decrease in the sense of community in public spaces of residential complexes. For instance, most of the people do not like to be present in public spaces for participating and using of facilities of them, or technology and media prevent people from being together. In this new condition, the sense of community will slowly disappear. This is a big problem for all countries all over the world. Identifying and creating the conditions that foster and strengthen sense of community within public spaces of residential complex is an important task for us. We can make suitable conditions to encourage people for coming in public spaces of residential complex and share their needs and beliefs through designing methods. The reduction in this context could be empowered by the presence and participation of people. Thus, we classify our data in two tables. The first table shows design methods in community design with behavioral patterns and performance of spaces, and in the second table some methods for making better facilities to public spaces of residential complex presents have been presented. The only residential complex with public spaces in Hamadan is Saidyeh complex. We have divided the site of this complex into some parts, and observe them for 5 months. 65 persons were randomly selected and interviewed about their needs. A table is drawn according to performance of spaces, behavioral patterns, designing methods and style of investigation (interview or observation). This study aims at examining the collected information through a qualitative method and evaluates the selected samples (through targeted sampling) and compares them with table of designed parameters. As a result, we concluded that the climate and culture could affect community architecture in Hamadan.

... **Keywords:** Community Architecture, Community Feeling, Environmental Psychology.

* Corresponding Author: Email: Razieh.Sedgh@yahoo.com